

## بازشناسی منابع حدیثی اسفار ملاصدرا

عباس همامی<sup>۱</sup>، محمد مهدی کرباسچی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۸/۱۵ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۲/۹)

### چکیده

در کتاب اسفار می‌توان بیش از ۱۱۰۰ آیه از آیات قرآن و ۲۵۰ حدیث از احادیث منسوب به نبی اکرم صلی الله علیه و آله، اهل البیت علیهم السلام و صحابه یافت. هر چند که صدرا به اندیشه فلسفی بیشتر شناخته شده است، اما شرح ناتمام وی بر الکافی، شاهدی بر این است که او با حدیث و دیگر علوم مربوط با آن نیز آشنا بوده است. با وجود این، وی در انتخاب احادیث اسفار، در مسلک عرفانی بیشتر ظاهر شده؛ لذا بیش از دو سوم احادیث موجود در این کتاب، از مصادر اهل عرفان اخذ شده که آنها نیز برگرفته از کتب حدیثی اهل سنت و یا کتب خاص عرفاست و کمتر از یک سوم آنها را در مصادر حدیثی شیعه پیش از قرن ششم می‌توان یافت. در این مقاله به شناسایی منابع احادیث اسفار و میزان اعتبار آنها در نزد محدثان پرداخته شده است.

**کلید واژه‌ها:** احادیث، اسفار، حدیث شناسی، ملاصدرا.

---

۱. نویسنده مسئول، استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی: [ah@hemami.net](mailto:ah@hemami.net)  
۲. دانش‌آموخته دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و استادیار دانشگاه قرآن و حدیث.

### مقدمه

صدرالدین، محمد شیرازی (م ۱۰۵۰ ق)، بزرگ فیلسوف شیعی قرن یازدهم، در مشهورترین اثر خویش، اسفار، در بیش از ۲۵۰ مورد، به احادیثی منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله، آل‌البیت علیهم السلام و اقوالی از صحابه استناد کرده است. صدرا پیش و بیش از آنکه به حدیث شناخته شود، به ابتکارات فلسفی و عرفانی‌اش شهرت دارد. اما این شهرت مانع از پذیرش تبخّر وی در حدیث نیست و شرح مفصل وی بر بخشی از احادیث الکافی - صرف نظر از انگیزه وی و عوامل محیطی جامعه آن روز (استیوارت، ۳۹۱) - نشان دهنده آن است که وی در فقه الحدیث، مصطلح الحدیث و رجال دستی داشته است.

وی علوم نقلی و حدیث را از شیخ بهایی و میرداماد آموخته و سلسله اجازه خود از آنها را به کلینی می‌رساند. (ملاصدرا، شرح اصول الکافی، ۶۹/۱-۷۲) او به تبع میرداماد - بر خلاف فلاسفه سلف - نقل را در میان اندیشه‌های فلسفی‌اش آورد و آنها را با هم در آمیخت؛ آن هم به گونه‌ای که در اسفار خویش، کثرت نقل وی از آیات و روایات، اعتراض برخی محققان را به دنبال داشته است. (یثربی، ۳۳۲)

اسفار کتابی است فلسفی و مؤلف آن مدعی است گزاره‌های اعتقادی خود را تنها بر محور عقل اثبات می‌کند و اگر هم به سراغ نقل می‌رود، در تأیید آن گزاره‌هاست. صدرا خود نیز در ابتدای این کتاب، گوید: «فلسفه، کامل نمودن نفس انسانی به قدر وسع انسان است و این تکامل با شناخت حقائق موجودات به همان گونه‌ای که هستند و حکم به وجود آنها با تحقیق در براهین آنهاست صورت می‌گیرد، نه با ظنّ و تقلید». (ملاصدرا، ۴۲۰/۱)

وی همان گونه که از یک فیلسوف نیز انتظار می‌رود، نظم عالم را نظامی عقلی می‌داند (همانجا) و درصدد توجیه عقلی مسائل وجود است و گوید: خداوند وی را بر معانی اموری از ذات و صفاتش آگاه ساخته است که با حرکت عقل عقلاء حول خداوند و مجاهدتهای عقلی به دست آمده است. (همانجا ۹/۱)

اما با مطالعه این کتاب بعضاً به مطالبی روبرو می‌شویم که با مجاهدت عقلی صرف به دست نیامده و تماماً از نقل اخذ شده است. مانند بیان جزئیات امور مربوط به معاد که مسلماً عقل بدانها راهی ندارد. (همان، ۱۷۹/۹)

### طرح مسئله

ملاصدرا در کتاب اسفار خود از احادیث بسیاری در جهت اثبات نظریات خود و یا تأیید آنها استفاده کرده است. از آنجا که اعتقادات دینی بر پایه دلائل قطعی و یا ظنیه معتبر بنا می‌گردد، صحت احادیث مورد استفاده وی به عنوان ادله نقلی نیاز به بررسی متنی و بازشناسی مصدری دارد. از آنجا که محدثان شیعی در نقل و تأیید احادیث، توجه وافری به سلسله سند و مصادر روایات داشته‌اند، در این مجال پس از بیان کلیاتی از سیره حدیثی ملاصدرا، به واکاوی مصادر روایات منقوله در اسفار و میزان موفقیت مؤلف آن در نقل احادیث صحیح پرداخته شده است.

با توجه به جایگاه ویژه این کتاب و مؤلف توانای آن در میان پژوهشگران عرصه آموزه‌های اعتقادی، ضرورت و اهمیت این تحقیق در شناسایی بن‌مایه‌های الهی اندیشه‌های ملاصدرا روشن است.

### صدرا و حدیث صحیح

سعی و اهتمام محدثان، فقها و متکلمان از نقل و اهتمام به حدیث، دستیابی به احادیث صحیح و نفی و نقد حدیث ضعیف و ساختگی بوده و هست. ایشان برای دستیابی به حدیث صحیح و شناخت حدیث سقیم راههایی را در کتب خویش ذکر کرده‌اند؛ اما عرفا از آنجا که مسلکی متفاوت با ایشان دارند، طریق دیگری دارند و آن کشف و یقین ایشان بر صحت حدیث است و کمتر به اصول و قواعد محدثین در نقل حدیث پایبندند. (موسوی، ۱۰۲) به عبارت دیگر، محدثان، فقیهان و متکلمان، بر اساس روشهایی که مبتنی بر سیره عقلاست، در برخورد با احادیث، به دنبال راههای «علم» یا «وثوق» به صدور حدیث‌اند، اما عرفا بدین روشهای عقلایی پای‌بند نبوده‌اند.

صدرا نیز در اسفار به هنگام نقل حدیث، از روش عرفا در این باره بر کنار نیست و آن دقت و توجهی را که محدثین به صحت حدیث دارند، ندارد.

وی مکرر و به اعتماد کتب عرفانی و اهل سنت، احادیثی را به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام انتساب می‌دهد؛ طرفه آنکه وی در نقل حدیث قدسی «تردد» که در مصادر متعدد و متقدم شیعی آمده است (اهوازی، ۳۲؛ الطوسی، مصباح المتجهد، ۵۷؛ ابن طاووس، ۱۶۷ و مشابه آن: کلینی، ۲۴۶/۲ و ۳۵۴؛ برقی، ۱/۱۶۰ و

۲۹۱؛ صدوق، مصادقة الإخوان، ۷۴؛ طبرسی، مشکات الأنوار، ۱۴۷) تعبیر «منسوب» را به کار برده است:

فما معنی التردد المنسوب إليه فی قوله: ما ترددت فی شیء أنا فاعله کترددی فی قبض روح عبدی المؤمن. (ملاصدرا، ۳۹۲/۶)

صدرا در اسفار هیچ مبنایی برای نقل احادیث خود بیان نمی‌کند؛ تنها به هنگام نقل یک حدیث از لفظ «الصحيح» استفاده می‌کند و آن نیز به تبع نقل نمودن این حدیث از کتاب شرح فصوص (قیصری، ۱۴۲) است که می‌نویسد: «جاء فی الخبر الصحيح: أن الحق سبحانه یمیت جميع الموجودات حتی الملائكة و جبرئیل و إسرافیل و میکائیل و ملک الموت ثم یعیدها للفصل و القضاء». (ملاصدرا، ۲۷۹/۹۱)

صدرا در مقدمه شرح اصول الکافی (ملاصدرا، ۱۷/۱) از مراجعه خود به کتب مخالفین و نقل احادیث ایشان عذرخواهی کرده و دلیل خود را سخنی از علی علیه‌السلام دانسته است که: «و ليعذرني إخواننا أصحاب الفرقة الناجية ما أفعله في أثناء الشرح و تحقيق الكلام و تبیین المرام من الاستشهاد بكلام بعض المشايخ المشهورين عند الناس، و إن لم يكن مرضياً عندهم نظراً إلى ما قال أمير المؤمنين: لا تنظر إلى من قال و انظر إلى ما قال».

در این باره باید گفت: سخن نیکو را از هر شخصی می‌توان گرفت؛ اما اگر سخنی بخواهد به معصوم نسبت داده شود و آن سخن مبنای یک عقیده قرار گیرد، باید صحت این انتساب به نوعی ثابت گردد و الا صرف زیبایی آن، حجتی برای پذیرش آن نیست. با توجه به سیره صدرا در انتخاب احادیث و این بیان وی می‌توان گفت که وی در نقل اقوال و احادیثی که از طریق مخالفین رسیده است، مانعی برای خود احساس نمی‌کرده است.

در برخی موارد صدرا احادیثی را از مصادر عرفانی و یا اهل سنت نقل کرده است؛ حال آنکه مشابه آن در مصادر شیعی مانند الکافی نقل شده است. مثلاً حدیث «أنا عند ظن عبدی بی» را وی نقل کرده است. این حدیث عیناً در صحیح بخاری (۱۷۱/۸)، صحیح مسلم (۶۲/۸، ۶۶ و ۹۱) و سنن ترمذی (۲۳/۴ و ۲۳۸/۵) و عوالی اللئالی (احسائی، ۲۸۹/۱) بدین گونه نقل شده است و مسلماً صدرا آن را از یکی از این مصادر نقل کرده است حال آنکه این حدیث در الکافی (کلینی، ۷۲/۲) بدین صورت: «أنا عند

ظنّ عبدی المؤمن بی؛ إن خیراً فخیراً و إن شراً فشرّاً» و در عیون اخبار الرضا علیه السلام (صدوق، ۲۰/۲) بدین صورت آمده است: «أنا عند ظنّ عبدی إن خیراً فخیر و إن شراً فشرّاً».

### ملاکهای قبول حدیث در نزد صدرا

یکی از ملاکهای اعتبار احادیث اعتقادی در نزد حدیث پژوهان، اعتماد قدما بر آن و یا نقل آن در مصادر معتبر و دارای قدمت تاریخی است. اما با توجه به آثار صدرا می توان گفت وی در قبول احادیث، به چهار جنبه توجه داشته است به شرح:

#### ۱- تظافر و عدم مانع عقلی

صدرا تواتر روایت و عدم منع عقلی از رد حدیثی را دلیل بر پذیرش آن می داند. وی در پذیرش رجعت چنین بیانی دارد: «قد صحّ عندنا بالروایات المتظافرة عن أئمتنا و ساداتنا من أهل بیت النبوة و العلم حقیة مذهب الرجعة و وقوعها عند ظهور قائم آل محمد علیه و علیهم السلام و العقل أيضا لا یمنعه لوقوع مثله کثیراً، من احياء الموتی بإذن الله بید أنبیائه کعیسی و شمعون و غیرهما علی نبینا و آله و علیهم السلام». (ملاصدرا، تفسیر القرآن الکریم، ۷۶/۵)

#### ۲- حدیث صحیح الإسناد

وی حدیثی که راویان ثقه نقل نموده باشند را همچون سایر محدثان صحیح می داند. این نکته در شرح اصول الکافی وی به روشنی دیده می شود. در مفاتیح الغیب (ملاصدرا، ۳۳۴) نیز گوید: «و لنکتف فی هذه الإشارة إلى ذکر حدیث موثوق النقلة معتمد الرواة صحیح السند مروی عن أبي عبدالله جعفر الصادق قال ع: إن الله تعالی خلق أسماء بالحروف غیر متصوّت... (کلینی، ۱۱۲/۱)

گاه نیز وی با اشاره به اینکه روایت از طریق اهل البیت علیهم السلام رسیده است، اطمینان خود را به آن بیان می کند: و قد روی فی طریق أهل البیت ع: أن طوبی شجرة... (ملاصدرا، ۳۷۹/۹)

### ۳- تعدد نقل

یکی دیگر از ملاکهای وی در پذیرش احادیث تعدد نقل است، به گونه‌ای که ایجاد اطمینان کند و این البته به گونه‌ای است که مضمون روایت مخالف عقل نباشد. مثلاً وی حقانیت رجعت را به همین دلیل پذیرفته است. (ملاصدرا، تفسیر القرآن الکریم، ۹۱/۵)

### ۴- یقین به صحت محتوای روایت

صدرا روایاتی را که خود یقین به ضعف راوی آن دارد، ولی به مضمون آنها اعتماد و اطمینان دارد نقل می‌کند. وی در تفسیر قرآن خود به هنگام نقل روایتی درباره کشف و راههای شهود گوید: و لقد ورد فی حدیث نبوی صحیح عند أهل الكشف و إن لم یثبت طریقہ عند أهل النقل لضعف الراوی أنه صَلَّى اللهُ عليه و آله قال: «لو لا تزید فی حدیثکم و تمریح فی قلوبکم لرأیتم ما أری و سمعتم ما أسمع». (همانجا، ۱۳۲/۷)

صدرا این روایت و بیان ضعف راوی آن را عیناً از ابن عربی (الفتوحات المکیه، ۱۳/۳ و نک: ۱۴۷/۱ و ۱۳۱/۳) نقل کرده است. طبری نیز مشابه این روایت را با سند نقل کرده است. (صریح السنه، ۲۹)

بیان این نکته ضروری است که: «حدیث صحیح» اصطلاحی خاص در میان محدثان است؛ لذا برای توضیح، کاربرد و تعیین مصداق آن نیز باید ضوابط علم الحدیث و قواعد محدثان را در نظر گرفت. به بیان دیگر کشف صحت حدیث در میان محدثان (چه به اصطلاح متقدمان و چه متأخران) روش خاص خود را دارد و خلط آن با روش کلی عرفا در شناخت (کشف و شهود) صحیح نیست.

نمونه دیگری که از آثار ملاصدرا در این باره می‌توان ارائه کرد، بیانی است که وی در شرح اصول الکافی (۲۲۰/۱) در ضمن شرح حدیثی در ترجیح عقل بر حیا و دین دارد. او می‌نویسد: «هذا الحدیث و إن کان ضعیف السند لوقوع الضعفاء مثل سهل بن زیاد و مفضل بن صالح و غیرهما فی طریقہ، إلا أن ذلك لا یقدح فی صحّة مضمونه، لأنّه معتضد بالبرهان العقلي و كذلك كثير من الأحادیث الواردة فی أصول المعارف و مسائل التوحید و غیره».

برخی محققان گویند: «ملاصدرا علاوه بر استناد به روایات مکتب اهل بیت علیهم السلام در موارد متعددی از روایات و احادیث اهل سنت نیز بهره می‌گیرد و صد البته که

در این امر به وثاقت راویان و صحت و حجیت متن حدیث توجهی عالمانه دارد». (معماری، ۱۴)

دینانی در این باره می‌گوید: «باید توجه داشت که صدرالمتألهین شیرازی علاوه بر این که یک فیلسوف بزرگ است، یک محدث عالی مقام نیز شناخته می‌شود. بنابراین وقتی او یک حدیث را معتبر می‌داند، علمای اهل حدیث نیز آن حدیث را معتبر می‌شناسند». (دینانی، حکمت متعالیه ملاصدرا در آیینه احادیث، ۳۷؛ ماجرای فکر فلسفی، ۳۳۵/۲)

در این باره توجه به چند نکته لازم به نظر می‌رسد:

۱- در پذیرش احادیث اعتقادی، همچون احادیث فقهی نیازی به احراز وثاقت یکایک راویان سلسله سند نیست؛ بلکه تحصیل علم به صدور آنها از راههای دیگر - مانند نقل بزرگان مذهب که تا قبل از قرن ششم می‌زیسته‌اند و مدار حدیث شیعه بر ایشان است - کفایت می‌کند.

۲- صدرا در انتخاب حدیث و مصادر حدیثی قید خاصی نداشته و تنها به مضمون اخبار توجه نموده است؛ حال روایت را محدثین شیعه نقل کرده باشند یا محدثان اهل سنت و یا مایلین به عرفان و تصوف.

۳- صدرا در انتخاب غالب احادیث نه تنها به وثاقت راویان توجهی نداشته؛ بلکه به وثاقت و اعتبار مصادر احادیث هم توجه ننموده است.

### تعداد احادیث اسفار

صدرا در اسفار ۲۵۷ حدیث با احتساب مکررات آنها آورده است. به عنوان مثال وی حدیث «لی مع الله وقت لایسعی ملک مقرب» را در فصول مختلف و به مناسبت‌های متفاوت، ۶ مرتبه ذکر کرده است. اگر مکررات و مشابهات از احادیث وی کسر شود، در این کتاب ۲۱۴ حدیث آمده است.

در مجلدات ۱ تا ۳ از این کتاب که سفر اول کتاب و مباحث وجود و ماهیت است، به ۲۸ حدیث استناد کرده است.

در مجلدات ۴ و ۵ که سفر دوم این کتاب و دارای مباحث علم طبیعی است، وی تنها به ذکر ۹ حدیث اکتفا نموده است.

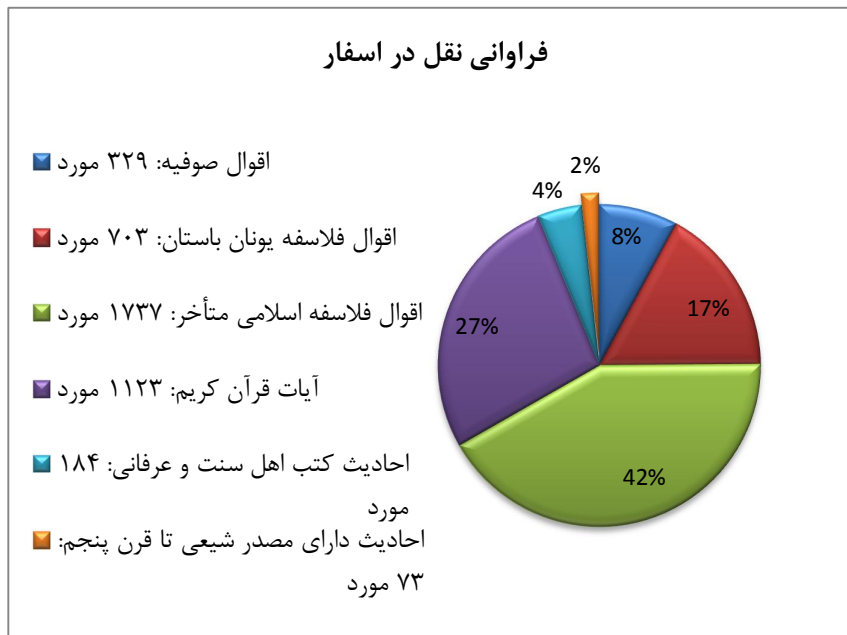
در مجلدات ۶ و ۷ که شامل سفر سوم کتاب و مباحث علم الهی و صفات مبدأ است، ۷۲ حدیث آورده شده است.

در مجلدات ۸ و ۹ که سفر چهارم کتاب است و به بحث نفس و معاد پرداخته شده، ۱۴۸ حدیث آمده است.

صرف نظر از صحت صدور احادیث و قوت مصادر احادیث نقل شده در اسفار، صدرا در این کتاب ۲۶ حدیث قدسی بدون ذکر نام راوی آن آورده است. ۱۳۳ حدیث از احادیث این کتاب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ۲۵ حدیث آن از امیرالمومنین علیه السلام، ۱۷ حدیث از امام صادق علیه السلام و ۳ حدیث از امام باقر علیه السلام نقل شده است. ۱۱ حدیث وی نیز از تعدادی از صحابه و تابعین مانند: جابر بن عبدالله، عبدالله بن سلام، ابن عباس، عبدالله بن عمر، ضحاک و قتاده است. صدرا در ۳۶ مورد نامی از قائل حدیث نیاورده و حدیث را با عبارتهای «ورد»، «قیل»، «فی حدیث»، «فی الخبر» و ... نقل نموده است.

در نمودار ذیل (شماره ۱) مقایسه‌ای میان فراوانی احادیث با سایر اقوال، با استفاده از داده‌های آماری کارل و. ارنست (Carl W. Ernest، ۵۵-۵۷) انجام گرفته است:

نمودار شماره ۱





### گونه‌شناسی احادیث اسفار

احادیث موجود در اسفار را از جهت تاریخ مصادر و گرایش مذهبی مؤلف آنها، می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:<sup>۱</sup>

۱- احادیثی که در منابع حدیثی متقدم شیعی نقل شده است. مراد، منابعی است که تا پایان قرن پنجم و دوره شیخ طوسی وجود داشته است. تعداد احادیثی که در این دسته قرار گرفته با احتساب مکررات، ۷۳ مورد و بدون مکررات ۵۲ مورد است و این کمتر از یک چهارم کل احادیث منقول (۲۱۴ حدیث بدون احتساب مکررات) در اسفار است.

صدرا در سفر اول (مجلدات ۱ تا ۳) تنها به ۴ حدیث که دارای مصدري شیعی تا پایان قرن پنجم باشد، استناد کرده است. در سفر دوم (جلد ۴ و ۵)، ۲ حدیث، سفر سوم (جلد ۶ و ۷)، ۲۶ حدیث و سفر چهارم (جلد ۸ و ۹)، ۴۳ حدیث این شرط را دارند.

۲- احادیثی که در مصادر حدیثی اهل سنت نقل شده است. وی ۳۶ حدیث خود را از منابع اهل سنت نقل کرده است. این مصادر اعم از مصادر متقدم ایشان، یعنی جوامع اولیه حدیث اهل سنت، همچون صحاح سته و یا جوامع متأخر ایشان همچون کنز العمال نگاشته متقی هندی (م ۹۵۰ق) که تألیف آنها تا قبل از صدرا است.

۳- احادیثی که تنها در کتب عرفانی - اعم از شیعه و اهل سنت - یافت شده است. این کتب از جهت تاریخی تألیف قرن ۷ تا ۱۰ قمری هستند. ۶۳ مورد از احادیث منقوله این کتاب تنها در مصادر عرفانی و در بازه تاریخی مذکور است.

۴- احادیث مشترک سنی و عرفانی: ۳۵ حدیث از احادیث اسفار، که در کتب حدیثی شیعی یافت نشده است، در کتب اهل سنت و کتب عرفانی مشترکاً وجود دارد و مشخص نیست که صدرا آنها از کدام مصدر نقل کرده است. این موارد را در دسته‌های مذکور محاسبه نشده است.

۱. جناب آقای مهدی نصیری در مقاله «آیا انقلاب اسلامی محصول حکمت متعالیه بود؟» در فصلنامه معرفتی اعتقادی سمات سال سوم، شماره ۷ صفحه ۷، ظاهراً به نقل از جزوه «الإسفار عن احادیث الأسفار» نگاشته شیخ حیدر وکیل آمار دیگری ارائه نموده‌اند که با شمارش نگارنده تفاوت دارد. این اثر با نام «الإسفار عن نصوص الأسفار» توسط انتشارات باقیات منتشر شده است.

- ۵- احادیث موجود در کتب حکمی: ۶ حدیث وی از کتب فلسفی نقل شده است؛ سه حدیث از القبسات میرداماد، دو حدیث از اشراق هیاکل النور دشتکی و یک حدیث از عوارف المعارف سهروردی.
- ۶- مصادر جغرافیایی: دو حدیث از احادیث صدرا را تنها در کتاب معجم البلدان یاقوت حموی می‌توان یافت.
- ۷- احادیث بدون مصدر: ۸ حدیث از احادیثی که صدرا در اسفار نقل کرده است، در هیچ مصدري مشاهده نشد.

نوع حدیث	شیعی	اهل سنت	عرفانی	اهل سنت و عرفانی	حکمی	متفرقه	نایافته
تعداد	۵۲	۳۶	۶۳	۳۵	۶	۴	۸

### منابع احادیث أسفار

صدرا در اسفار مقید به ذکر منابع احادیث خود نیست - همانگونه که سایر مصادر فلسفی و عرفانی خود را نیز نام نمی‌برد (اسلامی، ۲۲؛ ذکاوتی قراگزلو، ۱۲۰) - و به ندرت نام مصادر روایی خود را ذکر می‌کند. مواردی که وی نام مصدر حدیثی خود را ذکر کرده از این قرار است:

نهج البلاغه، (ملاصدرا، ۲۴۶/۵) الکافی (همو، ۳۵۵/۶ و ۳۱۷/۸ و ۳۲۳/۹ و ۳۲۴)، التوحید (همو، ۳۵۷/۶)، التهذیب، (همو، ۳۱۶/۸ و ۳۱۷)، معانی الأخبار (همو، ۳۲۰/۹)، الإعتقادات (همان)، العوارف (همو، ۳۲۰/۸) الفتوحات المکیه (همو، ۴۷/۷)، مسند احمد حنبل (همو، ۳۲۶/۹) و تفسیر ثعلبی (همانجا).

از سویی إحياء علوم الدین، تفسیر کبیر فخر رازی، الفتوحات المکیه، سنن الترمذی، سنن النسائی، رسائل الشجرة الإلهیه و عوالی اللئالی کتابهایی هستند که صدرا احادیثی را از آنها نقل کرده ولی ذکری از عنوان آنها نکرده است.

برخی از این احادیث چنین‌اند:

**الف)** صدرا در ابتدای سفر سوم (جلد ششم) اسفار، به نقل مطالبی از «رسائل الشجرة الإلهیه فی علوم الحقائق الربانیه» نوشته شمس الدین شهرزوری (م قرن ۷ق) در

رسالة پنجم آن با عنوان فی العلوم الإلهیه و الأسرار الربانیه (شهرزوری، ۶-۸) - البته بدون ذکر منبع - پرداخته و در ضمن آن به این دو روایت که تنها در این کتاب یافت می‌شود، رسیده و آنها را نقل کرده است:

«ففى ما أوحى الله إلى أبينا آدم ع: أن المستنبطين للعلوم عندى أفضل من عمّار الأرض بالصنائع» و «من استنبط علماً و دونه فى كتاب فهو بمنزلة آدم الصّفى».  
(ملاصدرا، ۵/۶)

ب) این احادیث را تنها در إحياء علوم الدين غزالی می‌توان دید:

۱- من خالف الإمام فى أفعال الصلاة يحشر و رأسه رأس حمار. (غزالی، ۱۷۶/۱ و ۳۴۶/۲؛ ملاصدرا، ۵/۹)

۲- و قد ورد فى الخبر: أن بعضهم يعطى نوراً مثل الجبل العظيم يسعى بين يديه و منهم من يعطى أصغر من ذلك و منهم من يعطى نوره مثل النخلة بيمينه و منهم من يعطى نوره أصغر من ذلك حتى يكون آخرهم رجلاً يعطى نوراً على قدر إبهام قدمه فيضئ مرة و يطفأ أخرى فإذا أضاء قدام قدمه مشئ و إذا طفى قام و مرورهم على الصراط على قدر نورهم فمنهم من يمر كطرف العين و وقوع الشعاع و منهم كالبرق الخاطف و منهم من يمر كشد الفرس و الذى أعطى نورا على قدر إبهام قدمه يحثو على وجهه و يديه و رجليه تجریداً و يعلق أخرى و تصيب النار جوانبه فلا يزال كذلك حتى يخلص. (غزالی، ۳۹/۸ و ۵۳/۱۶؛ ملاصدرا، ۲۸۶/۹)

۳- يا حبّذا نوم الأكياس و فطهرهم كيف يغبنون سهر الحمقى و صيامهم و لمثقال حبة من خردل من صاحب تقوى و يقين أفضل عند الله سبحانه من أمثال الجبال من المغترين. (غزالی، ۷۹/۱۱؛ ملاصدرا، ۲۸۸/۹)

ج) و این احادیث را فقط در آثار ابن عربی می‌توان یافت:

۱- ورد أيضاً عن صاحب شریعتنا(ص) فى صفة أهل الجنة أنه: یأتى إلیهم الملك فإذا دخل علیهم ناولهم کتاباً من عند الله بعد أن یسلم علیهم من الله فإذا فى الكتاب من الحى القيوم الذى لا یموت إلی الحى القيوم الذى لا یموت أما بعد فإنی أقول للشئىء كن فيكون و قد جعلتك اليوم تقول للشئىء كن فيكون. (ابن عربی، فتوحات، ۲۹۵/۳؛ ملاصدرا، ۹/۶ و ۱۴۰/۸)

۲- أن رسول الله ص: خرج يوماً و بيده كتابان مطويان قابض بكل يد على كتاب فسأل أصحابه أتدرون ما هذان الكتابان فأخبرهم بأن فى الكتاب الذى بيده اليمنى أسماء أهل الجنة و أسماء آبائهم و قبائلهم و عشائرتهم من أول من خلقه الله إلى يوم القيامة و فى الكتاب الآخر الذى بيده اليسرى أسماء أهل النار و أسماء آبائهم و قبائلهم و عشائرتهم من أول من خلقه الله إلى يوم القيامة. (ابن عربى، ۵۹/۳؛ ملاصدرا، ۳۵/۷)

۳- سئل رسول الله ص عن الصور فقال: قرن من نور التقمه إسرائيل فوصف بالسعة و الضيق. (ابن عربى، ۳۰۶/۱؛ ملاصدرا، ۲۷۴/۹)

۴- أن المرء مرهون بعمله. (ابن عربى، ۴۱/۳؛ ملاصدرا، ۲۹۴/۹)

۵- حديث صاحب السجلات. (ابن عربى، ۳۱۵/۱؛ ملاصدرا، ۳۱۰/۹)

۶- ما ورد فى الحديث النبوى من قوله(ص): و لم يبق فى النار إلا الذين هم أهلها. (ابن عربى، ۲۵/۳؛ ملاصدرا، ۳۵۲/۹)

۷- أنه قال: يا عبادى لو أن أولكم و آخركم و إنسكم و جنكم اجتمعوا على أتقى قلب رجل منكم ما زاد ذلك على ملكى شيئاً يا عبادى لو أن أولكم و آخركم و إنسكم و جنكم اجتمعوا على أفجر قلب رجل منكم ما نقص ذلك من ملكى شيئاً يا عبادى لو أن أولكم و آخركم و إنسكم و جنكم قاموا فى صعيد واحد، فسألونى فأعطيت كل واحد منكم مسألته ما نقص فى ملكى شيئاً. (ابن عربى، ۲۵/۳ و ۳۲۰ و ۴۵۳/۴؛ ملاصدرا، ۳۵۵/۹)

۸- أرض الجنة مسكاً كما ورد فى الخبر. (ابن عربى، ۱۶۱/۲؛ ملاصدرا، ۳۶۷/۹)

۹- خلق الكافر من ذنب المؤمن. (ابن عربى، التفسير، ۳۲۵/۱؛ ملاصدرا، ۲۹۴/۹)

۱۰- اين دو حديث با الفاظ مذکور فقط در آثار ميرداماد يافت گردید و ظاهراً از اين كتاب نقل شده است:

۱- قد ورد فى الحديث الإلهى: من لم يرض بقضائى و لم يصبر على بلائى و لم يشكر على نعمائى، فليخرج من أرضى و سمائى و ليطلب رباً سواى. (ميرداماد، ۴۶۹؛ ملاصدرا، ۳۷۶/۶)

۲- قد ورد و صحّ عن الأئمة(ع): ان الرضا بالكفر كفر. (ميرداماد، ۴۶۹؛ ملاصدرا، ۳۸۰/۶)

اگر چه مضمون حدیث اول در مصادر متأخر شیعی وجود دارد، اما نقل این الفاظ و همچنین ذکر حدیث دوم پس از آن در القبسات دلیلی بر اخذ آن از میرداماد است.

هـ) این دو حدیث فقط در معجم البلدان آمده است:

- ۱- روی: أن فی جبل أروند عیناً من عیون الجنه. (حموی ۱/۱۶۳؛ ملاصدرا، ۳/۳۲۲)
- ۲- المرووی عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: «أبغض البقاع إلى الله تعالی وادی برهوت فیہ أرواح الكفار و فیہ بئر ماء أسود منتن یأوی إليه أرواح الكفار». (حموی ۱/۴۰۵؛ ملاصدرا، ۳/۳۲۷)

مضمون این خبر در احادیث متقدم شیعی نیز موجود است (کلینی، ۳/۲۴۶)؛ اما به جهت یکسان بودن الفاظ، می‌توان گفت صدرا آن را از معجم البلدان آورده است.

در مواردی که صدرا نام مصادر خود را ذکر نکرده است، می‌توان مصداری شیعی نیز برای آنها یافت؛ اما با قرائنی می‌توان گفت وی آن را از منابع غیر شیعی نقل کرده است. به عنوان مثال:

- ۱- وی حدیث «الکیس من دان نفسه و عمل لما بعد الموت» - که در امالی (طوسی، ۵۲۹) نیز نقل شده است - را در اسفار آورده است. (ملاصدرا، ۳/۵۱۹) با توجه به آنکه این حدیث در ضمن مباحثی است که صدرا آن را عیناً در قسمت بیست و ششم از بخش مفصلی از تفسیر کبیر (رازی، ۲/۲۰۸) و بدون ذکر نام وی آورده است، می‌توان به جرأت گفت که وی حدیث را مسلماً از فخر رازی نقل کرده است و به نقل شیخ طوسی توجهی نداشته است.

- ۲- صدرا این حدیث را به نقل از پیامبر و خطاب به معاذ نقل کرده است: «لأن یهدی الله بک رجلاً واحداً خیر لک من الدنيا و ما فیها». (ملاصدرا، ۶/۵)

در مصادر شیعی مشابه این حدیث به الفاظ دیگری و در خطاب به امیرالمومنین علیه‌السلام است:

عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: بعثنی رسول الله ص إلى الیمن فقال: «لی یا علی لا تقاتلن أحداً حتی تدعوه و ایم الله لئن یهدی الله علی یدیک رجلاً خیر لک مما طلعت علیه الشمس و غربت و لک ولاؤه یا علی». (کلینی، ۲/۲۸ و ۳۶؛ طوسی، تهذیب،

- و حدیث دیگر: «فوالله لئن يهدى الله بك رجلاً واحداً خير لك من أن يكون لك حمر النعم». (طبری، بشارة المصطفى، ۱۹۳)
- اما از آنجا که این حدیث و دو حدیث پیش از آن در ضمن مجموعه مطالبی است که صدرا از کتاب «رسائل الشجرة الإلهية في علوم الحقائق الربانية» (شهرزوری، ۶-۸) نقل کرده است، می‌توان گفت که مسلماً صدرا آن را از کتاب وی و وی نیز آن را از إحياء العلوم (غزالی، ۱۷/۱) نقل کرده است.
- (و) احادیث ذیل را با این الفاظی که صدرا نقل کرده است و حتی برخی را با مضمون منقول وی، در هیچ مصدری یافت نگردید:
- ۱- إنه فوق كل شيء و تحت كل شيء قد ملأ كل شيء عظمته فلم تخل منه أرض و لا سماء و لا بر و لا بحر و لا هواء. (ملاصدرا، ۱۴۲/۶)
  - ۲- نحن السابقون اللاحقون. (ملاصدرا، ۳۵۰/۸)
  - ۳- الصراط المستقيم طريق التوحيد. (ملاصدرا، ۲۸۸/۹)
  - ۴- النار لا تأكل محل الإيمان. (ملاصدرا، ۳۲۰/۹)
  - ۵- قبر المؤمن روضة من رياض الجنة و قبر المنافق حفرة من حفر النيران. (ملاصدرا، ۳۲۲/۹)
  - ۶- روى في حديث المعراج أنه (ص) رأى في السماء الدنيا آدم أبا البشر و كان عن يمينه باب يأتي من قبله ريح طيبة و عن شماله ريح منتنة فأخبره جبرئيل أن أحدهما هو الجنة و الآخر هو النار. (ملاصدرا، ۳۲۵/۹)
  - ۷- روى في حديث المعراج أنه (ص) رأى في السماء الدنيا مالكاً خازن النار و فتح له طريقاً من طرق النار لينظر إليها حتى ارتقى إليه من دخانها و شررها و ما عن يساره من الباب. (ملاصدرا، ۳۲۶/۹)
  - ۸- عن مجاهد عن ابن عباس إن النار تحت بحر اسمه قيس و من ورائه بحر اسمه الأصم و من ورائه بحر اسمه مطبقة و من ورائه بحر اسمه مرماس و من ورائه بحر اسمه الساكن و من ورائه بحر اسمه الباكي و هو آخر البحار محيط بالكل و كل واحد من هذه البحار محيط بالذي تقدمه. (ملاصدرا، ۳۲۶/۹)

## نتیجه‌گیری

**الف)** پس از بررسی و شناسایی مصادر احادیثی که در متن کتاب الحکمه المتعالیه بکار رفته است، این آمار به دست آمد:

- ۱- تعداد احادیث موجود در اسفار با احتساب مکررات: ۲۵۷ حدیث
  - ۲- تعداد احادیث موجود بدون احتساب مکررات: ۲۱۴ حدیث
  - ۳- احادیثی که در مصادر حدیثی شیعه تا پایان قرن پنجم است: ۵۲ حدیث
  - ۴- احادیثی که تنها در مصادر حدیثی اهل سنت و عرفانی است: ۱۸۴ حدیث
  - ۵- احادیثی که تنها در کتاب عوالی اللئالی است: ۱۴ حدیث
  - ۶- احادیثی که تنها در کتاب الفتوحات المکیه است: ۲۹ حدیث
- ب)** مصادر احادیث موجود در اسفار بدون در نظر گرفتن فراوانی آنها از این قرار است:

- |   |                                |
|---|--------------------------------|
| ۱- دیوان منسوب به علی علیه السلام               | ۱۱- إحياء علوم الدين غزالی     |
| ۲- مصباح الشریعه منسوب به امام صادق علیه السلام | ۱۲- الفتوحات المکیه ابن عربی   |
| ۳- نهج البلاغه سید رضی                          | ۱۳- تفسیر کبیر فخر رازی        |
| ۴- معانی الاخبار شیخ صدوق                       | ۱۴- جامع الاسرار سید حیدر آملی |
| ۵- الکافی شیخ کلینی                             | ۱۵- صحیح بخاری                 |
| ۶- التوحید شیخ صدوق                             | ۱۶- سنن ترمذی                  |
| ۷- تهذیب شیخ طوسی                               | ۱۷- سنن ابن ماجه               |
| ۸- الاعتقادات شیخ صدوق                          | ۱۸- مسند احمد حنبل             |
| ۹- قوت القلوب ابوطالب مکی                       | ۱۹- معجم البلدان یاقوت حموی    |
| ۱۰- کشف الأسرار میبیدی                          | ۲۰- القبسات میرداماد           |
|   | ۲۱- عوارف المعارف سهروردی      |
- ج)** صدرا با آنکه خود محدث و رجالی خبیری بوده و این از شرح اصول کافی وی آشکار است؛ اما در انتخاب احادیث کتاب اسفار به گونه‌ای عمل کرده است که می‌توان گفت مبانی و روشهای محدثین در انتخاب و نقل حدیث را کاملاً کنار گذاشته است.

۵) صدرا در انتخاب احادیث کتابش مقید به ذکر احادیث اصیل شیعی نبوده و از هر حدیثی که وی را در تبیین مرادش کمک می‌رسانده، استفاده کرده است.

۵) در برخی موارد به دلیل وجود برخی قرائن می‌توان گفت وی احادیثی که در مصادر معتبر شیعی نیز وجود داشته را از مصادر عرفانی و اهل سنت نقل کرده است.

۶) قریب به یک سوم از احادیث موجود در کتاب اسفار، دارای مصدر شیعی تا قبل از قرن ششم است.

### کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل، ابن قم، دفتر تبلیغات، بی‌تا.
- ۳- ابن عربی، محمد، الفتوحات المکیه، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
- ۴- همو، تفسیر ابن عربی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ۵- احسانی، ابن ابی جمهور، عوالی الثالی، قم، سید الشهداء علیه السلام، ۱۴۰۵ق.
- ۶- استیوارت، دوین جی، ملاصدرا تفسیر و حدیث، مجموعه مقالات، جلد دوازدهم، شرح ملاصدرا بر اصول کافی واکنشی در مقابل احیای اخباریگری، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۳ش.
- ۷- اسلامی، سیدحسن، ملاصدرا و معضل انتقال، آیین پژوهش، شماره ۱۳۲.
- ۸- اهوازی، حسین بن سعید، المؤمن، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۴ق.
- ۹- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بی‌جا، دار الفکر، ۱۹۸۱م.
- ۱۰- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ق.
- ۱۱- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، بیروت، دار الفکر، ۱۹۸۳م.
- ۱۲- حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۷۹م.
- ۱۳- حیدر وکیل، الإسفار عن نصوص الأسفار، قم، باقیات، ۱۴۳۳ق.
- ۱۴- دینانی، غلامحسین، حکمت متعالیه ملاصدرا در آیین احادیث، خردنامه صدرا، شماره ۱۰، ۱۳۷۶ش.
- ۱۵- دینانی، غلامحسین، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹ش.
- ۱۶- ذکاوتی فراگزلو، علیرضا، سیر تاریخی نقد ملاصدرا، تهران، هستی نما، ۱۳۸۶ش.
- ۱۷- رازی، محمد، تفسیر الرازی (مفاتیح الغیب)، بی‌جا، بی‌تا.
- ۱۸- شهرزوری، شمس الدین، رسائل الشجرة الإلهية فی علوم الحقائق الربانیه، تهران، موسسه حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۳ش.



- ۱۹- صدوق، علی بن محمد، مصادقة الإخوان، قم، لیتوگرافی کرمانی، ۱۴۰۲ق.
- ۲۰- همو، عیون اخبار الرضا، بی‌جا، جهان، ۱۳۷۸ق.
- ۲۱- طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۵ق.
- ۲۲- طبری، محمد بن ابی‌القاسم، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، قم، موسسة النشر الإسلامی، ۱۴۲۰ق.
- ۲۳- طبری، محمد بن جریر، صریح السنه، الكويت، دار الخلفاء للكتاب الإسلامی، ۱۴۰۵ق.
- ۲۴- طوسی، محمد بن الحسن، الامالی، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
- ۲۵- همو، تهذیب الأحكام، طهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۴ش.
- ۲۶- همو، مصباح المتهدج، بیروت، موسسه فقه الشیعہ، ۱۴۱۱ق.
- ۲۷- غزالی، محمد، إحياء علوم الدين، بیروت، دار الكتاب العربی، بی‌تا.
- ۲۸- قیصری، داوود، شرح فصوص الحکم، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۵ش.
- ۲۹- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، طهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳ش.
- ۳۰- مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
- ۳۱- معماری، داوود، مبانی فقه الحدیث ملاصدرا، مطالعات قرآن و حدیث، سال اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۷ش.
- ۳۲- ملاصدرا، محمد، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
- ۳۳- همو، تفسیر القرآن الکریم، قم، بیدار، ۱۳۶۶ش.
- ۳۴- همو، شرح الاصول الکافی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، اول، ۱۳۸۴ش.
- ۳۵- موسوی، السید علی عباس، فقه الحدیث عندالعرفاء، المنهاج، شماره ۴۳؛ فقه الحدیث از دیدگاه عرفا، مترجم: پورمطلوب، عبد الرضا، علوم حدیث، سال یازدهم، شماره اول.
- ۳۶- میرداماد، محمدباقر، القیسات، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ش.
- ۳۷- نصیری، مهدی، آیا انقلاب اسلامی محصول حکمت متعالیه بود، مجله سمات، سال سوم، شماره ۷.
- ۳۸- یشرب، سیدیحیی، حکمت متعالیه (بررسی و نقد حکمت صدرالمتهلین)، تهران، امیرکبیر، اول، ۱۳۸۹ش.
- ۳۹- Carl W. Ernest, Sufism and Philosophy in Mulla Sadra, مجموعه مقالات همایش ملاصدرا بنیاد حکمت اسلامی صدرا، تهران، ۱۳۸۰ش.